

لطفاً با این شعرها ریتم نگیرید!

عباس ترجون

چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ علی اصغر سیدآبادی.
تصویرگر: حسن عامه کن. تهران: نشر چشمه - کتاب
ونوشه، ۱۳۸۸. ۳۲ ص. ۴۰۰۰۰ ریال.

در روزگار ناخوشی شعر به سر می‌بریم. نه فقط شعر بزرگسال و جوان و نوجوان، که شعر کودک ما نیز در دایره‌ای تکراری و غیرخلاق، دلخوش به چرخ‌زدنی بیپوده است. امروز با سابقه‌ترین و موفق‌ترین شاعران کودک سال‌های گذشته‌مان از فرط فقر خیال و اندیشه و عاطفه، نشست‌اند و دغدغه‌های شاعرانه‌شان را از طریق ساختن نظم درباره‌ی اشیائی مثل سماور و قوری و تشت و آفتابه بیان می‌کنند. طفلک بچه‌های بی‌زبانی که قرار است سلیقه‌شان با این شعرها پرورش و ارتقاء بیابد!

در چنین روزگاری است که چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ کتابی جسورانه به حساب می‌آید. علی اصغر سیدآبادی در این کتاب کوشیده سفری به خارج از مرزهای غبارگرفته‌ی شعر کودک کند و با چشمی متفاوت به کودک امروز ایرانی بنگرد.

ویژگی‌های مشترکی در شعرهای چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ دیده می‌شود که معرف چارچوب کلی حرکت تازه‌ی سیدآبادی در شعر کودک است. در ادامه به بیان مهم‌ترین این ویژگی‌ها و بررسی کوتاه آن‌ها می‌پردازیم.

کنار گذاشتن موسیقی عروضی

اگرچه شورای کتاب کودک سال گذشته جایزه‌ی بهترین کتاب شعر کودک را به مجموعه‌ای خالی از وزن عروضی داد (بادکنک به شرط چاقو، سروده‌ی علی اصغر سیدآبادی) اما هنوز هم حذف وزن عروضی از شعر کودک، ناشدنی و حرکتی انتحاری (!) به نظر می‌رسد.

«بابا/ شاید همین حالا/ یکی در را بزند/ و بگوید/ پسرت/ سر پسر مرا/ شکسته/ خواهش می‌کنم/ تو باور نکن!...»
وزن عروضی به عنوان اولین و مهم‌ترین عنصر جذب‌کننده‌ی مخاطب در شعر کودک، دارای اهمیت خاصی است و این نه فقط به خاطر نقش این نوع موسیقی در خلق یک شعر موفق، که به جهت نقش پررنگ و انکارناپذیرش در جهان کودکی است. وزن عروضی، فارغ از لذتی که به گوش و ذهن مخاطب می‌بخشد، برای کودک حکم نوعی بازی را دارد. وزن عروضی از طریق تکرار منظم هجاهای، به ذهن کودک نظم می‌بخشد و او را با ریتم و هارمونی آشنا می‌کند. وزن عروضی این امکان را فراهم می‌آورد که کودک شعر را به راحتی به خاطر بسپارد و قادر به تکرار آن با زبان خود باشد.

کنار گذاشتن قالب‌های کلاسیک

در مجموع بسامد قافیه در چه کسی کلاغ... بسیار پایین است و در تکرار قافیه‌ها نظم خاصی مشاهده نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان



در آقای روباه شگفت‌انگیز هم این صمیمیت در گفت و گوهایی اعضای خانواده‌ی روباه مشهود است. وقتی که خانم و آقای روباه همدیگر را «عزیزدلم» صدا می‌زنند یا موقع بدرقه «منتظرت می‌مانم» و جملات عاشقانه تبار هم می‌کنند! همچنین است احترام بچه روباه‌ها به پدر.

اما راستش چیزی هست که کمی نگرانم می‌کند و آن خطر الگوبرداری کودکان از شخصیت‌های داستان است. این که کودک به ذهنش برسد که می‌تواند دوستانش را با ذکر عیب‌هایشان صدا بزند یا آن‌ها را مسخره کند. درست است که این جزو ویژگی‌های شخصیت‌های منفی داستان است، ولی در هر حال کودک ناسزاها و تمسخرها را می‌خواند و ممکن است تحت تأثیر آن‌ها به تقلید پرداز: کو توله‌ی کثیف کر مکو، ریفو، چلغوز چاقاله، پشکل و...

با این همه، انتشار منظم آثار رولد دال و ارائه‌ی یک ترجمه‌ی سر حوصله در جای خود موجب پدیدآمدن آثاری جذاب و خواندنی شده است. و در نهایت این که «آقای رولد دال، از شما متشکریم!»

شعرهای این مجموعه را از نظر قالب، حتی نزدیک به قالب‌های کلاسیک و شناخته شده دانست. حذف قافیه نیز یکی از موارد بحث‌برانگیز این کتاب و مشمول توضیحات بند قبل است. البته سیدآبادی سعی کرده با تکرارهای گاه و بی‌گاه یک کلمه مشخص (تقریباً چیزی مثل ردیف) جای خالی قافیه را پر کند.

«عقربه ساعت / می چرخد / و می چرخد / و می چرخد / خورشید / می چرخد / و می چرخد / و می چرخد...»

اثر قافیه صرفاً به خاطر تکرار یک کلمه در فاصله‌های مشخص نیست؛ بار عمده قافیه بر دوش هماهنگی‌ای است که در پایان این کلمه‌های غیرهماند وجود دارد و شاعر کاشفشان بوده است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که تکرارهای «می چرخد»ی به قدر قافیه جاندار باشند و برخلاف قافیه که لذت کشف کلمه‌های متفاوت و از نظر هجاهای پایانی شبیه به هم را به مخاطب می‌دهد، یکنواخت و به مرور خسته کننده می‌شوند.

پرداختن به مضامین تازه

سیدآبادی در این تازه‌ترین مجموعه شعرش مسائل بی‌سابقه‌ای را سوژه سرودن قرار داده است. موضوعاتی مثل گران شدن بلیت هواپیما یا سرنوشت گنجشک عاشقی که عروسی می‌کند:

«گنجشک / عاشق شد / گنجشک رفت / عروسی کرد / گنجشک شست / و شست و شست / گنجشک جارو / کرد و جارو کرد / گنجشک آشپزی کرد / گنجشک بچه‌دار شد / گنجشک دیگر وقت / نداشت عاشق بماند.»

به نظر می‌رسد چنین مضامینی، بیشتر بزرگسالانه یا حداقل نوجوانانه باشد و دور از ذهن به نظر می‌رسد که ذهنی کودکانه قادر به درک تأثیر زندگی زناشویی و مسائل ناشی از آن بر عشق بین دو طرف داشته باشد. چنین موضوعاتی، خالی از دغدغه‌های کودکانه‌اند و در نهایت می‌توان گفت که تنها در بیان، شکلی کودکانه یافته‌اند.

نگاه سرکش و نافرمان‌بردار

مجموعه‌های شعر کودک ما همیشه تصویری حرف‌گوش‌کن و سربراه از یک کودک ارائه می‌دهند. چه کسی کلاغ... اما کودکی شیطان و گاهی یک‌دنده را به تصویر می‌کشد که حضوری طبیعی دارد و به ساز و کوک خودش می‌رقصد.

«... من ماشین کوکی نیستم / بچه کوکی ام / و خودم هم بلد نیستم چه جوری کوک می‌شوم!»

این شیطانی‌ها اگرچه کمی شبیه شیطانی‌های شاعرانه سیلور استاینی است، اما به خاطر این که مصلحت‌اندیشی و پندآموزی در آن محور قرار داده نشده، ستودنی است. در واقع خوبی این شعرها در این است که نگاه آموزشی بر نگاه ادبی غلبه ندارد.

*

درباره چه کسی کلاغ... حرف‌های دیگری هم هست که به دلیل کمبود جا از ذکر مفصل‌شان خودداری می‌کنم. مسائلی مثل بی‌نام بودن شعرها، تقطیع عجیب و غریب شعرها (که حتماً در نمونه‌های

بالا متوجه بعضی‌شان شده‌اید)، نثرگونی زبان، تکرار یک شوخی و کشف در چند شعر مختلف، تغییر اندازه فونت حروف شعرها، تصویرسازی‌های متفاوت و غریب و...

شاید بعد از آن مقدمه نسبتاً مثبت، انتظار خواندن چنین یادداشتی را بر چه کسی کلاغ... نداشتید. به هر حال خواستن همیشه توانستن نیست؛ آن هم وقتی موضوع، سرودن شعر باشد! اما همان‌طور که پیشتر اشاره شد، تجربه‌های تازه در شعر کودک اولین گام‌هایش را برمی‌دارد و در حال حاضر، نکته مهم در نتیجه نیست، در جسارت‌ها و حرکت‌های تازه است. درست مثل کودکی که اولین تجربه راه رفتنش را پشت سر می‌گذارد و ممکن است در دومین قدم تعادلش بر هم بخورد. اما هرچه باشد، یک جا ننشسته و دل به حرکت بسته است.

هم سخنی کودکان شرق و غرب

در قصه غصه‌ها

سمیرا قیومی

جن شیشه مربا. آنی دالتون. تصویرگر: برت هادسون. ترجمه بیتا ابراهیمی. تهران: انتشارات هرمس - کتاب‌های کیمیا، ۱۳۸۷. ۷۶ ص. ۹۰۰۰ ریال.

«جادو در زیرزمین و بالای سرمان همچنان وجود دارد و انتظار می‌کشد». این عقیده تایلر، پسرک داستان جن شیشه مربا است که دغدغه پول و مشکلات مالی خانواده به دنیای کوچکش راه یافته و دلش می‌خواهد مثل علاءالدین، یک گول چراغ جادو داشته باشد تا از او برای پدرش یک تاکسی نو بخواهد. مدت زیادی نمی‌گذرد که فیزی، بچه‌جنی که گم شده، سر راه او قرار می‌گیرد و طی یکی دو روزی که مهمان خانه تایلر است ماجراهایی را به دنبال خود می‌آورد. فیزی با باقی گول‌ها تفاوت‌هایی دارد. او یک بچه‌جن (غول) است که مدام به چهار شمع تولدش می‌نازد و آن را دلیلی بر بزرگ شدنش می‌داند؛ با این حال هنوز جادو کردن را به خوبی یاد نگرفته تا به جای سکه‌های شکلاتی، مثل جن‌های بزرگسال سکه‌های واقعی بسازد یا درست و حسابی صحبت کند:

«اُ، شاهزاده، اطاعت امر من...!...!...! سفنج شماست... اطاعت امر شما التماس من است... منظورم این است که اسکناس من است.»
پاهایش را به زمین کوبید و جیغ زد: «می‌دانم با الف شروع می‌شود...»

چنین شخصیت‌پردازی‌ای که از جهاتی بی‌شبهات به شخصیت بی. اف. جی در کتابی به همین نام از رولد دال نیست^۱ به دلیل تازگی و در عین حال مانوس بودنش برای خوانندگان داستان جذاب است و نوعی همذات‌پنداری را به دنبال دارد.

یکی از نکات قابل بحث، عنوان کتاب است: «جن شیشه مربا»